

تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۰۵/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۶/۲۷

تعارضات بین قوانین موضوعه ایران و حقوق بشر

سیدحسین صادقی^{۱*}

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه زابل، سیستان و بلوچستان، ایران.

چکیده

واقعیت جهان امروز این است که مقوله حقوق بشر یکی از حوزه‌های اصلی و ارکان مهم فعل و انفعالات، جهت‌گیری‌ها و فعالیت‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. از این رو در سطح بین‌الملل، موضوع حقوق بشر بستر شکل‌گیری بسیاری از تصمیمات شده است. این موضوع در سطح منطقه‌ای نیز موجب پیدایش ترتیبات، ساختارها و موجودیت‌های منطقه‌ای تعیین‌کننده در سیاست خارجی و دارای جایگاه ویژه‌ای در امنیت و منافع ملی بسیاری از کشورها از جمله اتحادیه اروپا و آمریکا است که به صورتی هماهنگ و هدفدار وضعیت حقوق بشر سایر کشورها را با سازوکارهای ویژه‌ای تحت نظارت و مورد ارزیابی قرار می‌دهند. سؤال مورد نظر پژوهش‌گر این است که آیا قوانین موضوعه ایران با اصول و قواعد حقوق بشر در تعارضند؟ فرضیه موردنظر این‌که با توجه به تعدیل دیدگاه کشورهای اسلامی از جمله ایران نسبت به قاعده جهان‌شمول بودن حقوق بشر، این کشورها خواستار تفسیر جدیدی از مفاهیم حقوق بشری و مفاهیم دینی مذهبی در جهت تطبیق قواعد داخلی و بین‌المللی می‌باشند، هدف از این پژوهش بررسی چگونگی تطابق قواعد موضوعه ایران با قوانین حقوق بشر و به کارگیری ظرفیت در تفسیر جدید این مفاهیم می‌باشد، از آن‌جا که موضوع حقوق بشر به دلیل جنبه‌های احساسی آن به راحتی قابل تأثیر بر افکار عمومی است، لذا همواره به عنوان یک اهرم مناسب مورد سوء استفاده کشورهای غربی قرار می‌گیرد. نقض یا اتهام حقوق بشر بیش‌تر از هر عامل دیگری جهت تهییج افکار عمومی و حمایت از ضدیت با کشور متهم و حتی کاربرد زور علیه آن کشور مؤثرتر است.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، قانون، ایران، تعارض، تطبیق.

۹

دو فصلنامه مطالعات
بیداری اسلامی

تعارضات بین قوانین موضوعه ایران و حقوق بشر
سیدحسین صادقی

مقدمه

تا پایان جنگ سرد و در ابتدای دهه ۹۰، ایران به شدت نسبت به جهان‌شمولی حقوق بشر اعتراض داشت. در این دوره رویکردی که بر سیاست حقوق بشری ایران مسلط بود، حقوق بشر را تنها در مبانی و احکام اسلام جستجو می‌کرد و برای حقوق بشر مطرح شده در کنوانسیون‌های قراردادی حقوق بشر و قواعد عرفی بین‌المللی حقوق بشر اعتباری قائل نبوده و آن‌ها را حقوق بشر جدا مانده از خدا و برخاسته از هوی و هوس بشری و حتی الحادی، ابزاری و سیاسی می‌دانستند و مسئولیتی نسبت به تعارض برخی موازین اسلامی با تعهدات بین‌المللی برای خویش قائل نبوده و وقتی به محکومین ایران در مجامع حقوق بشری نمی‌گذاشتند. (شریفیان: ۱۳۸۰، ۳۴۷)

سفیر سابق ایران در سازمان ملل، آقای «رجائی خراسانی»، موضع ایران نسبت به مقوله حقوق بشر را در کمیته سوم مجمع عمومی به صورت ذیل شرح می‌دهد: «سازمان ملل یک مجمع غیر دینی (سکولار) و اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز یک ابراز سکولار است ... ویژگی کنوانسیون‌های حقوقی مدنی و سیاسی این است که ابهام و درک نادرست از مفهوم دین دارند با این اعتقاد که مجمع سکولار شایستگی پرداختن به امور دینی را ندارند. آنان مسلمانان را متعهد به احترام به درخواست‌های چنین مجامعی می‌کنند» (ذاکریان: ۱۳۸۱، ۶۲-۶۶) و نیز رئیس هیأت نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در کنفرانس حقوق بشر وین در سال ۱۹۹۳ چنین اظهار می‌دارد: «ایران خواستار بحث جدی، دقیق و اصولی روی مبانی و اصول حقوق بشر است. زیرا مشکل اصلی کشورهای غربی، برداشت‌های غلط آنان از انسان و حقوق انسان است. به همین دلیل غربی‌ها تاکنون نتوانستند الگویی جهانشمول و قابل قبول همگان ارائه دهند» وی در ادامه می‌گوید: «غرب می‌خواهد نقش قاضی، دادستان و هیأت منصفه را در زمینه حقوق بشر ایفاء کند و در عین حال تلاش دارد نقش قانونگذار را نیز بر عهده داشته باشد و تعریف قانون را هم در اختیار بگیرد.» (ذاکریان: ۱۳۸۱، ۶۲)

از نظر جمهوری اسلامی ایران و بعضی از کشورهای اسلامی حقوق بشر باید با استناد به ارزش‌ها و اندیشه‌های اسلامی تعریف و تفسیر گردد. ارزش‌های اسلامی ممکن است با ارزش‌های اروپایی متفاوت باشد ولی مادون آن‌ها نیست و نباید نادیده گرفته شود بلکه حقوق بشر جهانی تا حدی که معارض ارزش‌های اسلامی است، باید نادیده انگاشته شود.

این گونه «برخورد سلبی» ایران با قراردادها، کنوانسیون‌ها و ارکان حقوقی بشری از سال

۱۹۸۸ تغییر ماهیت داده و به تدریج به یک برخورد «معتدل»، «سازنده» و «اثباتی» مبدل شد. بدین ترتیب که در سال ۱۹۸۸ در اوایل برگزاری اجلاس ۴۳ مجمع عمومی اعلام شد که جمهوری اسلامی حاضر است با گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر همکاری نماید. (شریفیان: ۱۳۸۰، ۵۴۰)

در واقع در سال‌های اخیر موضع گیری‌های اکثریت کشورهای جهان سوم از جمله ایران در تقابل با جهانشمول بودن حقوق بشر تعدیل یافته است. یعنی این کشورها به جای ایجاد خدشه در معیارهای لائیک اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون‌های حقوق بشری و نیز مخالفت فرهنگ خود خواندن آن‌ها معتقدند باید با ظرافت به تفسیر جدید مفاهیم بپردازیم. یعنی از یکسو خواستار تفسیر جدیدی از مفاهیم حقوق بشری و از سوی دیگر تفسیر جدیدی از مفاهیم شریعت باشیم.

تعارضات بین تعهدات بین‌المللی حقوق بشری و موازین اسلامی (قوانین موضوعه ایران)

دولت ایران که از ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ با نظام جمهوری اسلامی اداره می‌شود، عضو تعدادی از کنوانسیون‌ها و قراردادهای بین‌المللی حقوق بشر است و طبعاً از لحاظ تعهد قراردادی ملتزم به رعایت و اجرای مفاد آن‌هاست. برخی از این معاهدات پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران امضاء و تصویب شده است و برخی در زمان حکومت رژیم پیشین تصویب شد. این کشور با وجود تغییر نظام سیاسی بر اساس اصل دوام دولت‌ها از لحاظ بین‌المللی ادامه دهنده شخصیت حقوقی دولت ایران است که در رژیم گذشته با تصویب بدون قید و شرط بسیاری از کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر به خصوص منشور بین‌المللی حقوق بشر (اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاقین بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی) خود را نسبت به موازین آن‌ها متعهد نموده و می‌بایست قوانین داخلی خود را براساس آن‌ها تنظیم و هماهنگ کند و از اقدام‌ها و پیشرفت‌های حقوق بشری خود به نهادهای بین‌المللی حقوق بشر مانند کمیته حقوق بشر و کمیته حقوق اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی گزارش دهد.

به هر صورت مشکل از آنجا ناشی می‌شود که بین برخی از مقررات نظام بین‌المللی حقوق بشر و قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران، تفاوت و مغایرتی وجود دارد که عامل اصلی محکومیت ایران در مجمع عمومی و کمیسیون حقوق بشر است. (همان: ۷۲-۴۳۶-)

بدین ترتیب که از یک طرف دولت و نظام جمهوری اسلامی ایران با رأی ملت ایران

تشکیل شد و حکومتی را براساس موازین اسلامی متجلی در قانون اساسی مصوب مردم و قوانین عادی بوجود آورده است که می‌باید کلیه قوانین خود را بر طبق اصل ۴ قانون اساسی در انطباق با موازین اسلامی و قانون اساسی تصویب و اجرا نماید و ارگانی تحت عنوان شورای نگهبان مسئول این انطباق می‌باشد. از طرف دیگر، دولت ایران بر اساس اصل دوام ملت‌ها در حقوق بین الملل با وجود تغییر حکومت، از لحاظ موازین بین‌المللی ادامه دهنده شخصیت حقوقی دولت ایران است که در زمان رژیم گذشته بدون قید و شرط منشور بین‌المللی حقوق بشر به‌ویژه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را امضاء و تصویب کرده و بر اجرای مقررات آن تعهد دارد. چون به هنگام تصویب، اعلام تحفظ نکرده، دیگر نمی‌تواند تعهد خود را مشروط و مقید نماید. بر این عدم اعلام هر گونه نظر و ملاحظه ایران در بدو تأسیس به معنی پذیرش این اسناد بوده و بالطبع مفاد این میثاق‌ها در زمره تعهدات ایران در صحنه بین‌المللی محسوب و حتی به اعتباری بر قوانین عادی داخلی نیز مقدم بوده و جنبه الزام‌آور یافته است. (رمضانی: ۱۳۷۰، ۵۸۱)

اکنون مشخص شده است که بین بعضی مواد قانون اساسی و قوانین عادی با بعضی مواد منشور بین‌المللی حقوق بشر تضاد و تعارض وجود دارد. این تضاد و تعارض که به ویژه با میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی چشمگیر است، موجب شده‌اند تا ایران علی‌رغم آنکه رژیم قبلی بدون قید و شرط به میثاق پیوسته است، به عنوان یک نظام مبتنی بر اصول و اندیشه‌های اسلامی به صورت مشروط با میثاق مذکور برخورد کند. (آقایی: ۱۳۸۸، ۲۶) در واقع ایران دو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوقی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را تا آنجا می‌پذیرد که تضادی با اصول اساسی و پذیرفته شده آن کشور مبتنی بر معیارهای اسلامی است، نداشته باشند. به بیان دیگر از نظر کلی و به صورت غیر اعلام شده ایران نسبت به این میثاق‌ها برای خود قید و شروطی قائل است که این قید و شروط نوعی پذیرش مشروط ذهنی ایران را برای کارشناسان کمیته تداعی می‌کند (شریفان: ۲۲۴، ۱۳۸۰) و موجب بروز مشکلاتی برای ایران در مجامع بین‌المللی حقوق بشر می‌شود به طوری که پس از پیروزی انقلاب همواره شاهد صدور قطعنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری به ویژه کمیسیون حقوقی بشر و مجمع عمومی سازمان ملل متحد در محکومیت ایران به جهت نقض حقوق بشر هستیم. ضمن آنکه گزارش‌های سالانه وزارت امور خارجه آمریکا و بیانیه کشورهای اروپایی در قالب اتحادیه اروپا نیز شاهد محکومیت ایران به خاطر نقض حقوق بشری هستیم. به مواردی از نقض حقوق بشر در ایران که در قطعنامه‌ها، گزارش‌ها و بیانیه‌های مختلف در خصوص

وضعیت حقوق بشر در ایران آمده است در ذیل اشاره می‌نماییم:

بررسی موارد نقض حقوق بشر در ایران

با مروری بر قطعنامه‌ها، گزارش‌ها و بیانیه‌های متعددی که در خصوص وضعیت حقوق بشر و نقض آن در ایران از اوایل انقلاب تا به حال صادر شده‌اند در می‌یابیم که موارد ادعا شده نقض حقوق بشر در ایران در همه قطعنامه‌ها، گزارش‌ها و بیانیه‌ها صادر شده در این زمینه از ابتدا تاکنون اولاً همواره مشابه و ثانیاً همه ساله با اندکی تغییرات تکرار شده‌اند. با علم به آنچه گفته شد تنها به مرور نمونه از این قطعنامه‌ها و گزارش‌ها می‌پردازیم:

مهم‌ترین مواردی که در طی چند سال عمر نظام جمهوری اسلامی به عنوان نقض حقوق بشر از آن توسط ایران یاد شده است عبارتند از: (۱) نقض دموکراسی (۲) خشونت علیه شهروندان (۳) تبعیض نسبت به اقلیت‌های مذهبی، آزار و اذیت بهائیان، شکنجه، اقدامات خودسرانه در بازداشت‌ها، عدم آزادی مطبوعات، نقض آزادی بیان، مجازات اعدام بیش از اندازه و فتوا علیه سلمان رشدی. (مهرپور: ۱۳۷۴، ۱۶۶-۱۶۷) و (شریفان: ۲۲۴، ۱۳۸۰)

در قطعنامه شماره ۱۹۸۶/۴۱ که در مارس ۱۹۸۶، کمیسیون حقوق بشر علیه ایران صادر کرده است، از اعدام‌های خودسرانه و نقض آزادی‌های اساسی چون حق آزادی از شکنجه یا رفتار غیرانسانی و یا تنبیه، حق آزادی و امنیت فردی و آزادی از دستگیری یا توقیف خودسرانه، حق برخورداری از یک دادرسی عادلانه، حق آزادی اندیشه و حق اقلیت‌های مذهبی در داشتن عقیده و عمل به مذهب خودشان در ایران ابراز نگرانی عمیق شده است. (مهرپور: ۱۳۷۴، ۱۶۶-۱۶۷)

در گزارش گالیندوپل، نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر که در ۱۹۸۷ به کمیسیون حقوق بشر ارائه شده است. موارد نقض حقوق بشر در ایران تحت ۶؟؟؟ عنوان زیر دسته بندی شده‌اند: الف) حق زندگی ب) حق رهایی از شکنجه و مجازات یا رفتار ظالمانه و غیرانسانی ج) حق آزادی و امنیت فردی د) حق برخورداری از محاکمه عادلانه ه) حق آزادی وجدان، عقیده، مذهب. (شریفان: ۱۳۸۰، ۲۶۳-۲۶۴)

در قطعنامه ۹۴/۲۰۲ مجمع عمومی سازمان ملل متحد که در ۲۳ دسامبر ۱۹۹۴ صادر شده است موارد نقض حقوق بشر در ایران چنین مشخص شده‌اند: بالا بودن تعداد اعدام‌ها، عدم رعایت استانداردهای بین‌المللی در رسیدگی قضایی، رفتار تبعیض آمیز نسبت به اقلیت‌های مذهبی، محدودیت آزادی بیان، اندیشه، عقیده و مطبوعات، تبعیض

گسترده علیه زنان، استفاده وسیع از مجازات اعدام برای جرائم، نگرانی از تهدید علیه جان سلمان رشدی، عدم رعایت حقوق مردم مخصوصاً متهمین در جریان دستگیری و محاکمه، وجود قوانینی که مجازات‌های خشن و بی رحمانه را در بر دارد، وجود قوانینی که موجب تضییع حقوق زنان بوده و بین زن و مرد قائل به تبعیض است و به رسمیت نشناختن برخی از فرقه‌های مذهبی و اعمال تبعیض نسبت به آن‌ها. (همان: ۲۷۰-۲۷۱)

آقای عابد حسینی گزارشگر موضوعی آزادی بیان که از تاریخ ۷۴/۱۰/۱۷ تا ۷۴/۱۰/۲۰ از ایران دیدار نمود در گزارشی که پس از آن به اجلاس ۵۲ کمیسیون حقوق بشر ارائه کرد، از موارد زیر در ایران ابراز نگرانی نمود:

۱- محدوده و معانی برخی از مفاهیم کلیدی مواد قانون اساسی و قوانین ملی که اساس ارتقاء و پیشرفت و حمایت از حق آزادی بیان و عقیده را تشکیل می‌دهند، به اندازه کافی دقیق نیستند. وی در زمینه میزان محدودیت بر حق آزادی بیان و عقیده و ارتباط متقابل آن با حق آزادی اجتماع که از نظر قانونی بر اساس ضوابط و اصول اصلی اسلام با جمهوری اسلامی مجاز شمرده می‌شود، ابراز نگرانی کرده است.

۲- اشکال تصویب شده قانونی و تبعیض، استثناء یا محدودیت بر اساس جنس مشاهده می‌گردد.

۳- تهدید یا استفاده یا ارتقاء حق آزادی عقیده و بیان هستند.

۴- اظهار نگرانی از اینکه چنین اعمال ارباب آمیزی بعضاً با علم به اینکه خارج از محدوده قانونی صورت می‌گیرد، مورد دفاع اعضای برجسته دیوان سالاری دولتی واقع می‌شود.

۵- هیچ مورد مشاهده نشده که اقدام قانونی بر علیه اشخاصی که چنین اعمالی را تحریک نموده و یا از آن چشم پوشی کرده‌اند، اتخاذ شده باشد.

۶- گزارشگر ویژه به‌طور جدی بیمناک کاهش نقش قانون در ادامه این الگوهاست.

۷- افرادی که خواستار استفاده و یا افزایش میزان استفاده از حق آزادی فکر و آزادی بیان می‌شوند محکوم به مجازات بدنی هستند که در اصل در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (مجازات‌های مذکور) منع شده است.

۸- گزارشگر ویژه به‌خصوص نگران مجازات تازیانه برای افرادی است که می‌خواهند از آزادی بیان استفاده کنند.

۹- وی به‌طور خاص نگران مواردی است که به قوانین مطبوعاتی مربوط می‌شود. گزارشگر ویژه مشاهده می‌کند که این قوانین شامل مقرراتی است که آزادی بیان و

عقیده را محدود می‌سازد و این محدودیت بیش از آنچه که در میثاق پیش بینی شده است، می‌باشد. (شریفیان: ۱۳۸۰، ۲۹۸-۲۹۹) در گزارش آقای «کاپیتوران» به اجلاس ۵۲ کمیسیون حقوق بشر در سال ۱۹۹۶ موارد نقض حقوق بشر در ایران چنین آمده است:

- ۱- حق دسترسی به وکیل در دوران قبل از محاکمه با پاره ای اتهامات توأم می‌باشد.
- ۲- قاضی به عنوان یک شخص ثالث بی طرف بین متهم و روند دادرسی عمل نمی‌نمایند.
- ۳- لزوم هماهنگی روند قضایی در دادگاههای انقلاب با دادگاههای عمومی (وجود دارد)
- ۴- اهمیت تجارب حرفه ای بر انتخاب قضات
- ۵- مجازات مرگ برای هتک حرمت مقامات عالی رتبه و رسمی و توهین به حضرت امام خمینی (ره)

- ۶- موقعیت زن و مرد در ایران در بسیاری از موارد برابر نیست.
- ۷- موقعیت و فعالیت‌های اجتماعی، محدودیت سفر و تابعیت محض زن از شوهر و نیز موضوع ازدواج موقت از جمله مواردی هستند که می‌توانند بر وضعیت زنان اثر بگذارند.
- ۸- نماینده ویژه، تهدید زندگی رشدی را محکوم می‌نماید و با کسانی که فتوی و جایزه را اقدامی محرک انجام قتل می‌داند هم عقیده است
- ۹- تداوم توقیف اموال و دارائی بهائیان در یزد، مشکلات اخذ گذرنامه جهت سفر به خارج، عدم دسترسی بهائیان به تحصیلات عالی و حق وراثت
- ۱۰- عدم آشنایی مسئولان زندان با حداقل استانداردهای لازم الرعایه در زندان‌ها
- ۱۱- وجود ۱۱۰۰ زندانی سیاسی
- ۱۲- انتقاد شدید از روند انتخابات و نقش شورای نگهبان. (توانا: ۱۳۸۳، ۱۶)

قطعنامه اجلاس ۵۴ کمیسیون حقوق بشر (۱۹۹۸) به شماره ۴ L/۱۹۸۸/E/CN از نقض حقوق بشر در موارد زیر ابراز نگرانی می‌نماید:

- ۱- همچنان حقوق بشر در ایران نقض می‌شود، خصوصاً تعداد زیاد اعدام‌ها با عدم رعایت تأمین شناخته شد، بین‌المللی، وجود موارد شکنجه، مجازات‌ها یا رفتار خشن غیرانسانی و تحقیر کننده از جمله قطع دست، سنگسار و اعدام‌های در ملأ عام، عدم رعایت استانداردهای بین‌المللی در محاکمات و فقدان روند لازم قانونی
- ۲- شفاف نبودن سیستم قضایی که در نتیجه هم برای ایرانیان و هم ناظرین خارجی مشکل است که بتوانند وضعیت افراد را به درستی تشخیص دهند
- ۳- ادامه نقض حقوق بشر بهائیان و نیز اعمال تبعیض علیه امضای اقلیتهای مذهبی از جمله مسیحیان، علی رغم تضمینات قانون اساسی، فشار روزافزون روی جوامع مذهبی

و افرادی که در معرض انجام تبلیغات مذهبی هستند

۴- بی میلی آشکار مقامات ایرانی به تعقیب و مجازات کسانی که نسبت به منتقدین دولت اعمال خشونت می کنند

۵- ادامه آزار و تهدید نسبت به برخی از روزنامه نگاران و نویسندگان و مخالفین سیاسی و مذهبی که می خواهند آزادی بیان داشته باشند

۶- ادامه فقدان برخورداری کامل و مساوی زنان از حقوق بشر. (توانایی، ۱۳۸۳، ۱۶)

آمبی لیگابو گزارشگر ویژه آزادی بیان کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل از ۴ تا ۱۰ نوامبر ۲۰۰۳ در ایران وضعیت آزادی بیان را بررسی کرد. به برخی از مطالب گزارش وی در خصوص وضعیت آزادی بیان در ایران اشاره می شود. آقای لیگابو معتقد است بیشتر موارد نقض قوانین در آزادی بیان و عقاید، قوانین کیفری و قانون مطبوعات گنجانده شده است. وی معتقد است که در سال های اخیر وضعیت آزادی بیان در ایران رویکرد مناسبی نداشته و برخی از نویسندگان و روزنامه نگاران با مشکلاتی مواجه شده اند با توجه به اصل ۱۶۸ قانون اساسی ایران که اشاره به برگزاری دادگاه جرایم مطبوعاتی در محیطی باز و با حضور هیأت منصفه دارد، لیگابو استدلال کرده که این قانون به کرات در ایران نقض شده است و بسیاری از دادگاه های مطبوعاتی و سیاسی پشت درهای بسته و بدون حضور هیأت منصفه انجام می گیرد.

لیگابو با بررسی قوانین مطبوعاتی در ایران و اشاره به قانون جدید مطبوعات که توسط مجلس پنجم تدوین شد، اعلام می دارد که ظرف ۵ سال ۹۸ نشریه و روزنامه تعطیل شده اند. در خصوص روزنامه نگاران و روشنفکران در گزارش لیگابو چنین آمده است: با بررسی ۴۲ مورد شکایت در خصوص وضعیت روزنامه نگاران و فعالیت های سیاسی، گزارشگر ویژه به نکاتی برخورد کرده که در زیر می آید:

الف) بیشتر اتهامات به این افراد عبارتند از: اقدام بر علیه امنیت ملی، ایراد خدشه به اسلام و مقدسات دینی مندرج در قانون مطبوعات و قانون جزا؛

ب) دسترسی متهمان به وکیل یا سلب شده و یا در مواردی بین یک ماه تا یک سال از در اختیار داشتن وکیل محروم مانده اند در اینجا گزارشگر ویژه تأکید دارد که طبق بیانیه ۳۲ سال ۲۰۰۳ کمیسیون حقوق بشر، قطع هر گونه تماس زندانی با دنیای خارج از زندان خود نوعی شکنجه است؛

ج) بعد از دستگیری موقت امکان آزادی با قید ضمانت وجود داشته ولی مبلغ درخواستی به حدی بالا بوده که برخی توان به وثیقه گذاشتن آن را نداشته اند؛

د) در برخی از مواقع محاکمه در دادگاهی انجام شده که مغایر با اصل صریح ماده ۱۶۸ قانون اساسی است؛

ه) مجازات صادر شده برای این افراد مجازات مرکب بوده است. گزارشگر ویژه به طور جدی به اتهامات مبهم اعتراض دارد چرا که اصل بر این است که جرم باید قانونی باشد و نمی‌توان برای یک اتهام گنگ و مبهم کسی را مجازات کرد. وی برای مثال به پرونده هاشم آقاچری اشاره می‌کند. هراس نمایندگان مجلس ششم از تأیید صلاحیت برای شرکت در انتخابات مجلس هفتم، نبود نظارت دقیق بر رسیدگی به پرونده زهرا کاظمی، عدم انجام کار مناسب در خصوص این پرونده و توقف بی‌دلیل دادرسی در مورد آن، توقیف یا تعقیب قضایی برخی از هنرمندان، نویسندگان و فیلمسازان علیرغم داشتن مجوز رسمی از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، از جمله موارد دیگری است که در گزارش لیگابو از وضعیت آزادی بیان در ایران منعکس شده است. معمولاً در گزارش‌های سالانه‌ای که وزارت امور خارجه آمریکا در مورد وضعیت حقوق بشر صادر نموده است، مواردی که در قطعنامه و گزارش‌های فوق مورد اشاره قرار گرفت نیز تأکید شده‌اند. برای نمونه در گزارش سالانه‌ای که وزارت امور خارجه آمریکا در خصوص وضعیت حقوق بشر در روز ۱۷ مه ۲۰۰۴ به کنگره این کشور ارائه کرد، ادعا شد که سابقه نامناسب حکومت ایران در زمینه حقوق بشر در سال ۲۰۰۳ بدتر از گذشته شد، حکومت ایران در این مدت به ارتکاب سوء رفتارهای جدی بی‌شمار ادامه داد. اعدام‌های فوری بدون مراعات تشریفات حقوقی، ناپدید شدن‌ها، سختگیری‌های افراطی، استفاده گسترده از شکنجه و برخوردهای تحقیرآمیز، همچنان به صورت مشکل باقی مانده‌اند. (روزنامه کیهان: ۱۳۷۳، ۳)

حکومت ایران دانشجویان معترض را کتک زده، هزاران تن را بازداشت کرده، روزنامه نگاران بسیاری را به زندان انداخته و روزنامه‌های هوادار اصلاح امور را تعطیل کرده است. حکومت ایران به تبعیض علیه بهائیان و دیگر اقلیت‌های قومی و مذهبی از جمله یهودیان، مسیحیان، سنی‌ها ... ادامه داده و به آزار آن‌ها پرداخته است. به حکایت این گزارش، حکومت ایران همچنان حقوق کارگران را به شدت محدود کرده و آزادی تجمع و حق برگزاری اجتماعات و ایجاد تشکیلات صنفی را از آنان گرفته است. (روزنامه اطلاعات: ۱۳۷۸، ۱۲)

در هر صورت مقامات غربی ضمن تأیید نظر مقامات ایرانی مبنی بر برخورد سیاسی با پرونده حقوق بشری ایران در مجامع جهانی حقوق بشر و توسط کشورهای مثل آمریکا

معتقد است که نباید معضلات حقوق بشری ایران را نادیده گرفت. لذا در راستای ارائه راهکاری برای حل معضلات حقوق بشری ایران معتقد است که هیچ موضعی بهتر از این نیست که ایران بکوشد جنبه‌های مثبت پذیرفته شده مشترک در میثاق‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی دیگر را اجرا نموده و در جهت تقویت آن‌ها اقدام نماید و راجع به موارد غیرقابل قبول معارض نیز که زیاد هم نیستند به گونه‌ای رفتار کند که هم اصول خود را رعایت نماید و هم وجهه بین‌المللی نظام را تحکیم بخشد. لازمه این کار آن است که وضعیت کلی حقوق بشر ایران چنان بهبود یابد که زمینه بروز مواردی که به تعارضات علنی می‌انجامد، از بین برود.

برخی از موارد ذکر شده در غالب گزارش‌های تهیه شده در خصوص وضعیت حقوق بشر ایران مربوط به تناقض موجود میان قوانین اسلام و استانداردهای بین‌المللی می‌باشد به طور مثال شلاق زدن، رجم و اعدام از جمله این موارد می‌باشند. ایران باید بکوشد تا آن دسته از احکام و قوانین اسلامی را که تحت هیچ شرایطی و در هیچ زمان و مکانی قابل تغییر نیستند و با استقرار حکومت اسلامی باید اجرا شوند را مشخص و اعلام نماید و آنگاه با بیان علمی و منطقی و با اتکاء بر آمار و ارقام و تجربیات بدست آمده، محاسن و سودمندی آن‌ها را برای جامعه ملی و جهانی تشریح نماید و تأثیر اجرای آن‌ها را بر تقلیل جرائم و مصونیت جامعه و مغایر نبودنش با حیثیت ذاتی انسان بر شمرد. با این وجود معتقدیم بایستی میان نگرانی‌های حقوق بشری و سوءاستفاده سیاسی از مکانیسم‌های حقوق بشری تفکیک قائل شد. به اعتقاد ما چنین سوءاستفاده‌ای نه تنها هیچ کمکی به بسط و گسترش حقوق بشر در جهان نمی‌کند بلکه به بی‌اعتبار ساختن این مقوله اساسی می‌انجامد. حقوق بشر فی‌نفسه مقوله‌ای جهانی است. انسان‌ها دارای حقوقی هستند که چارچوب زمانی و مکانی نمی‌شناسد. اگر بخواهیم این جهانشمولی را در تدوین حقوق بشر حفظ کنیم، مشارکت فرهنگ‌ها و سنن گوناگون در این فرایند یک ضرورت است. از دیدگاه ما (ایران) بر پایه درک جهانی متکثر و متنوع و با در نظر گرفتن گوناگونی‌های فکری و فرهنگی، حقوق بشر می‌تواند در جهان ارتقاء یابد. دوران سلطه یک فرهنگ خاص بر جهان سپری شده است. جهان امروز، جهان تنوع، کثرت و مشارکت دسته جمعی است نه جهانی تک صدایی و تمامیت گرا، به نظر ما در فرایند گفتگوی تمدن‌ها، حقوق بشر به عنوان یک موضوع محوری می‌تواند به بحث گذاشته شود و دیدگاهی مختلف با محک نقد علمی بررسی و ارزیابی گردند.

در ارزیابی بیانات فوق می‌توان نتیجه گرفت که جمهوری اسلامی ایران در رویکرد

خود نسبت به حقوق بشر اولاً؛ ضمن بیان اینکه جمهوری اسلامی در راستای تعالیم عالیه اسلام و تعهدات بین‌المللی خود به حقوق بشر احترام گذاشته و جانبدار تمامی آن در جهان می‌باشد حقوق بشر موجود را عمدتاً ابزاری سیاسی می‌داند که دولت‌های قدرتمند در راه رسیدن به مقاصد سیاسی علیه کشورهای مخالف، همانند ایران به کار می‌گیرند. ثانیاً؛ جمهوری اسلامی با پذیرش جهانشمولی حقوق بشر تحقق واقعی آن را در گرو: الف) پایان پذیرفتن سوء استفاده‌های سیاسی صاحبان قدرت از حقوق بشر و ب) مشارکت دادن و در نظر گرفتن فرهنگ‌ها و سنن گوناگون به‌هنگام تدوین قراردادها، کنوانسیون‌ها و مکانیسم‌های مختلف حقوق بشری می‌داند.



نتیجه‌گیری

در ابتدا جمهوری اسلامی ایران در برابر قطعنامه‌های مکرر کمیسیون حقوق بشر که ایران را به نقض حقوق بشر متهم می‌کرد، مفاهیم حقوق بشر جهانی را ابزار تسلط قدرت‌های غربی و وسیله تحمیل ارزش‌های غربی معرفی می‌کرد. اما از سال ۱۹۸۸ چنانچه اشاره شد این رویکرد به تدریج تغییر یافت. به‌ویژه از زمان روی کار آمدن دولت اصلاحات ما شاهد تغییر چشمگیر این رویکرد هستیم. جمهوری اسلامی ایران با مشارکت کشورهای همفکر (کشورهای جهان سوم) همزمان با برگزاری کارگاه حقوق بشر تهران (۲۸ فوریه تا ۲ مارس ۱۹۹۸) به این نتیجه رسید که جهان‌شمولی و تجزیه ناپذیری و ارتباط متقابل انواع حقوق بشر را بپذیرد. در ایران و در حوزه فرهنگ اسلامی به تدریج تفسیرهای جدید و خلاقیتی از مفاهیم سنتی شریعت، خاتمیت و محدودیت ارائه شده است که با مبانی عقلی و مفاهیم بنیادین حقوق بشر معارض نیست.

تفسیرهای جدید برخلاف رویکردهای سنتی ضد حقوق بشری، خردورزی عقل جمعی را محور قرار می‌دهد.

تحولات فوق در رویکرد ایران نسبت به حقوق بشر ما را به این نتیجه رهنمون می‌سازد که قوانین موضوعه ایران اساساً تعارض با جهان‌شمولی مبانی حقوق بشر ندارد بلکه خواهان ارائه تفاسیر و دیدگاه‌های خویش نسبت به حقوق بشر بوده و اصولاً نگران ابزاری شدن حقوق بشر یا سیاسی گردیدن آن از سوی مجموعه کشورهای غربی می‌باشد و این مسأله در تعارض با جهان‌شمولی حقوق بشر قرار نمی‌گیرد.

اهمیت اساسی حقوق بشر در جهان امروز ایجاب می‌کند که بر پایه پرهیز از اعمال ملاک‌های دوگانه و تبعیض آمیز و با در نظر گرفتن مبانی فرهنگی، اخلاقی، دینی و نظام‌های حقوقی و قانونی ملت‌ها و کشورها نسبت به گسترش و تعمیق آن اهتمام شود. استفاده ابزاری از موضوع حقوق بشر و دستاویز قرار دادن آن برای اعمال مقاصد سیاسی، نمی‌تواند در جهان امروز با خردورزی و عقلانیت جمعی سازگار باشد.

راهکارها و پیشنهادها:

با وجود برخوردهای سیاسی نسبت به پرونده حقوق بشری ایران توسط دولت‌های غربی اعتقاد بر آن است که نباید معضلات حقوق بشری ایران را نادیده گرفت. لذا در راستای ارائه راهکاری برای حل معضلات حقوق بشری ایران معتقد است که هیچ موضعی مباحثی همچون **مطابقت نظامی قضایی** با استانداردهای پذیرفته شده جهانی از

سوی ایران نیز از جمله مواردی است که می‌توان آن را در تمامی گزارش‌های مربوط به وضعیت حقوق بشر ایران، به نوعی ملاحظه کرد. مصادیق ادعاهای مربوط به این امر از جمله روند ناعادلانه قضایی، محرومیت از حق داشتن وکیل به انتخاب فرد، نوع رسیدگی به جرایم مطبوعاتی، مسائل مرتبط با هیأت‌های منصفه و سایر موارد از جمله مباحثی محسوب می‌شود که به نظر می‌رسد با انجام کارهای کارشناسی شده و ضمن توجه به مبانی اسلامی، می‌توان راه‌حلهایی مناسب در خصوص آن‌ها نیز پیدا کرد. یکی از معضلات دیگر در خصوص وضعیت حقوق بشر ایران عدم وجود هماهنگی منظم و حساب شده مابین نهادهای مرتبط با بحث حقوق بشر در داخل کشور می‌باشد. بسیاری اوقات تمامی تلاش‌های یک ارگان خاص به واسطه نحوه عملکرد ارگانی دیگر از بین رفته است. به همین جهت به نظر می‌رسد ایجاد نوعی هماهنگی واقعی و بهره بردن از یک استراتژی تنظیم شده بر اساس نظرات ارگان‌های ذی‌ربط در خصوص وضعیت حقوق بشر کمک بسیار عظیمی را در خصوص تسریع بخشیدن به امر اتمام وضعیت کنونی نظارت بین‌المللی خواهد نمود. بررسی و تلاش جهت رفع نقاط مبهم و یا مشکل‌ساز نظام قضایی جمهوری اسلامی ایجاد هماهنگی بین نهادها و ارگان‌های مختلف، اطلاع‌رسانی جهت‌دار و حساب‌شده در مطبوعات و رسانه‌های داخلی و خارجی، تأکید بیشتر بر جنبه‌های مثبت و پیشرفت‌های حقوق بشری داخل، ارائه آگاهی‌های لازم به سخنرانان و مجریان امور جهت لحاظ نمودن فرهنگ حقوق بشری در سخنان و اعمال خویش، بهره برداری مؤثرتر از اهرم‌های اقتصادی و فرهنگی به جهت هم‌نوا نمودن سایر کشورها با خود، تلاش جهت افشاء نمودن «سیاسی بودن» غالب مضامین مطروحه در قطعنامه‌ها، استفاده بهینه از مواردی همچون «بحث گفتگوی تمدن‌ها»، در ایجاد چهره‌ای مطلوب از نظام اسلامی نزد ناظران جهانی و افکار عمومی، می‌توانند در جای خود به عنوان ابزارهای مؤثر، کارآمد و دقیق، جهت رهایی از بند نظارت بین‌المللی بر وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران بکار روند.

منابع

- فیرحی، داوود (۱۳۸۳)، «تصورات اسلام از غرب و تصورات غرب از اسلام»، مجموعه گرایش
- دکمچیان، هرایر (۱۳۷۷)، «اسلام در انقلاب: جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب (بررسی مبنای‌گرایی اسلامی)»؛ ترجمه دکتر حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان، چ سوم. جلسات و سخنرانی‌های
- ذاکریان، مهدی (۱۳۸۲)، «اسرائیل شناسی، آمریکا شناسی»، س چهاردهم، شماره ۲. مرکز مطالعات بین‌الملل.
- توانا، کامبیز (۱۳۸۳)، «دادو ستد در دیپلماسی ایران و اروپا»، شرق ۲۷ خرداد ۸۳، ۴-۸۳.
- توانا، کامبیز (۱۳۸۲)، «گزارش لیگابو درباره وضعیت آزادی بیان در ایران: چالش‌های پیش رو» ۱.
- فیرحی، داوود (۱۳۸۳)، «تصورات اسلام از غرب و تصورات غرب از اسلام»، مجموعه گرایش ۱.
- صدری، محمود (۱۳۸۴)، «جنگ نرم»، همشهری دیپلماتیک، ش ۴۴، (۲۷ فروردین ۱۳۸۴)، اطلاعات، ۲۷ تیر ۱۳۷۵ و اسفند ۱۳۷۳ ص ۳. جلسات و سخنرانی‌های مرکز مطالعات بین‌الملل، تهران، ۱. کیهان، ۴ خرداد ۱۳۷۷
- شریفیان، جمشید (۱۳۸۰)، «راهبرد جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر در سازمان ملل متحد»، تهران: وزارت امور خارجه. صص ۱۱۲-۱۱۱
- بیلیس، جان و دیگران (۱۳۸۴)، «استراتژی در جهان معاصر مقدمه ای بر مطالعات استراتژیک»؛ ترجمه بابک خبیری، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی

ابرار معاصر تهران، چ اول.

فرید، مهرداد. (۱۳۷۸)، «بررسی موضوع رابطه بین ایران و آمریکا از منظر تحولات پس از دوم خرداد ۷۶»، تهران: روزنامه سلام..

پتراس، جیمز. (۱۳۸۷)، «قدرت اسرائیل در آمریکا»؛ مترجم حمید نیکو، تهران: انتشارات اندیشه سازان نور، چاپ اول. روزنامه شرق، ویژه نوروژ، ص ۱۶. تهران، صص ۱۱۱-۱۱۲.

۲۳

دوفصلنامه مطالعات
بیداری اسلامی

تعارضات بین قوانین موضوعه ایران و حقوق بشر
سید حسین صادقی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

